

#### منهای فوتبال

وقتی بولاد سرد تسلیم اراده جوانان ایرانی شد

#### بر بام دنیا

#### نگار رشنیدی

صدای بر خورد دیسک‌های سنگین با تخته، بوی تند پودر منیزیم که در فضای سالن پخش شده و فریادهایی از سر قدرت و غیرت؛ اینجاسماعیلیه مصر است، آوردگاه مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جوانان جهان ۲۰۲۶. در میان هیاهوی تماشاگران میزبان و رقابت فشرده غول‌های این رشته، تنها یک نام سالن مسابقات را به تسخیر خود در آورده است؛ ایران. کاروان وزنه‌برداری جوانان کشورمان، بانمایشی خیره‌کننده، نه‌تنها با مدال، بلکه با اقتدار و امتیاز تاریخ‌سازی کردو با کسب ۱۴ مدال رنگارنگ، تاج پادشاهی جهان را بر سر گذاشت. ماهم در جدول مدال‌ها پادشاهی کردیم و هم در جدول امتیازات؛ یک قهرمانی بی‌نقص و تمام‌عیار. داستان این فتح تاریخی، یک شبه‌نوشته‌نشده، این قصه، روایت‌ماهه‌عرق ریختن، دست‌های پینه‌بسته و زانوهای است که زیر سنگینی صدها کیلو آهن در اردوهای تیم‌ملی خم‌شدند تا در نهایت، پرچم سه‌رنگ ایران در بالاترین نقطه سالن، برافراشته‌بماند.اوج این شاهکار حماسی، در روزهای پایانی مسابقات و در دسته‌های سنگین‌وزن رقم خورد؛ جایی که شش‌په‌جه‌های ایرانی طوفانی به پا کردند که میزبان و رقبای قدرتمندی چون چین را در بهت فروبرد.

وقتی رقابت‌های دسته ۱۱۰ کیلوگرم آغاز شد، تمام نگاه‌ها به نتخته خیره بود. ابوالفضل زارع و فرشادقلی‌زاده، دو دلاور خوش‌آتیه ایرانی، آمده بودند تا هیچ‌سهمی برای بیگانگان باقی نگذارند و سکورا به تسخیر خود در آورند. ابوالفضل زارع با آرامشی که نشان از طوفانی درونی داشت، گام بر تخته گذاشت. در حرکت یک‌ضرب، پس از مهار راحت‌وزنه ۱۷۲ کیلوگرمی، در حوالی تلاش خود با بدشانسی مواجه شد و نتوانست وزنه را بالای سر برسد. در چنین لحظات پرالتهابی است که قهرمانان واقعی عیار خود را نشان می‌دهند. زارع با تمرکزگی مثال‌زدنی به تخته بازگشت و در حرکت سوم، وزنه سنگین ۱۸۰ کیلوگرمی را با فریادی بلند و مقتدرانه روی سر تثبیت کرد تا جایگاه نخست را از آن خود کند. اما این تازه آغاز هنر نمای او بود. زارع در دوزخ، بی‌نقص و ماشین‌وار عمل کرد. وزنه‌های ۲۰۴، ۲۰۹ و در نهایت ۲۲۰ کیلوگرمی، یکی پس از دیگری در برابر قدرت بازوان و تکنیک ناب او تسلیم شدند. ثبث مجموع ۴۰۰ کیلوگرم، عددی بود که مدال طلای جهان را بی‌چون و چرابر گردن او کتیخت.

در سوی دیگر این میدان، فرهادقلی‌زاده سایه‌به‌سایه زارع پیش می‌رفت و نبردی تمام‌عیار را به نمایش گذاشت. فرهاد در یک‌ضرب، هر سه حرکت خود را با موفقیت و زیبایی هر چه تمام‌تر پشت سر گذاشت و بار کورد ۱۷۹ کیلوگرم، رنگ خطر را برای تمام مدعیان به‌صدا درآورد و دوم شد. او در دوزخ بر نیم‌کارها و وزنه‌های ۲۰۳ و ۲۰۸ کیلوگرم، جایگاه نهم را محکم کرد. اگرچه وزنه ۲۱۶ کیلوگرمی در حرکت سوم از دستاش رها شد، اما مجموع ۳۸۷ کیلوگرم کافی بود تا مدال نقره بر سینه او بنشیند و سکوی قهرمانی دسته ۱۱۰ کیلوگرم، کاملاً رنگ و بوی ایرانی به خود بگیرد. یک طوفان عمده‌التهادر یک‌روزن.



سالان در انتظار نفس‌گیرترین رقابت یعنی دسته فوق‌سنگین (۱۱۰+ کیلوگرم) بود؛ جایی که لقب قوی‌ترین جوان جهان به برنده آن تعلق می‌گرفت. حمیدرضا محمدی تنها و طاهامعتمدی مقدم، دو کوه غیرت ایرانی گام بر تخته گذاشتند تا کار اتمام کنند. حمیدرضا محمدی تنها، به‌جلی واژه اقتدار در اسمماعیلیه بود. او نماینده ارئه داد که تا سال‌ها در تدریس تکنیک و قدرت در وزنه‌برداری مثال‌زدنی خواهد بود. محمدی در یک‌ضرب، با اعتمادبه‌نفسی فولادین، وزنه‌های ۱۷۱، ۱۷۶ و ۱۸۰ کیلوگرمی را با تسلطی عجیب بالای سر برد. در دوزخ، بر شاهکار او یک هت‌تریک بی‌نظیر تکمیل شد. او بدون حتی یک لغزش، وزنه‌های ۲۰۶، ۲۱۴ و در نهایت ۲۲۱ کیلوگرمی را با موفقیتی خیره‌کننده مهار کرد. ثبث مجموع ۴۰۱ کیلوگرم و کسب سه مدال طلا، نام او را به عنوان پادشاه‌بلامنازع فوق‌سنگین جهان جاودانه کرد.

طاهای نعمتی مقدم نیز در این کارزار دوشادوش محمدی جنگید تا نقشه ایران برای تسخیر کامل سکوها عملی شود. طاهار در یک‌ضرب با مهار وزنه‌های ۱۶۶ و ۱۷۲ کیلوگرمی نشان داد که برای سکوا آمده است. با وجود از دست دادن وزنه ۱۷۷ کیلوگرمی در حرکت سوم، او با ارداهای استوار به استقبال دوزخ رفت. نعمتی مقدم در رقابتی نزدیک و با ثبث موفق وزنه‌های دوزخ (از جمله مهار مقتدرانه ۲۱۳ کیلوگرم)، توانست با مجموع ۳۹۲ کیلوگرم، جایگاه دوم را از آن خود کند و سه مدال نقره از رزشمندار به اسبداقتخارات کاروان اضافه کند. سوت پایان مسابقات که به‌صدا در آمد، تابلوی نتایج در سالن اسماعیلیه تصویری غرورانگیز را بر رخ جهانیان می‌کنید. تیم‌ملی وزنه‌برداری جوانان ایران، نه‌تنها در جدول مدالی، بلکه در رده‌بندی امتیازی نیز بی‌رقیب و دست‌نیافتنی بود. کسب ۵۲۰ امتیاز تیمی و ایستادن در رتبه نخست، آن هم با اختلاف فاحش نسبت به مصر میزبان (۴۲۷ امتیاز) و ونزوئلا (۳۸۰ امتیاز)، نشان از عمق قدرت و برنامه‌ریزی وزنه‌برداری ایران داشت.

در رده‌بندی مدالی نیز دلاوران ایرانی شاهکار کردند. آنها با کسب ۶مدال طلا، هفت نقره و یک برنز، بالاتر از تیم قدرتمند چین (با ۶طلا، پنج نقره و یک برنز) قرار گرفتند تا تاج و تخت قهرمانی ازاز چنگ‌زاده‌ای سرخ‌دروازند. جمعه شب در اسماعیلیه، ستاره‌های درخشانی متولد شده؛ جوانانی که نشان دادند آینده وزنه‌برداری ایران در دستانی امن، قدرتمند و پرامید است. سرود ملی ایران در سالن مسابقات طنین انداز شد و پرچم مقدس کشورمان به اهتزاز درآمد تا دنیا بار دیگر به احترام شکوه جوانان ایرانی بایستد. این ۱۴ مدال رنگارنگ و این قهرمانی قاطعانه دوگانه (امتیازی و مدالی)، تنها یک جام در رویتزین افتخار آفرینی نیست؛ این، غررش دوباره شیرهای ایرانی بر پام دنیای بولادرس است.

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیرمسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

### بارسا و رئال امشب با انگیزه‌های متفاوت در ال کلاسیکو حاضر خواهند شد

## جام یا حیثیت؟



آر باطاری

گاهی اوقات، فوتبال از مرزهای یک ورزش ساده‌فراتر می‌رود و تبدیل به یک‌رمان تراژیک، یک حماسه باستانی یا یک ناتور تاثر بر عشق و نفرت می‌شود. امشب در نیوکمپ، ما فقط شاهد ۱۱ نفر در نرسوت در دستان خودشان است. بلوگرابا با تکیه‌فول، ایدئولوژی و دو وضعیت روانی کاملاً متضاد خواهیم بود. ال کلاسیکو پرگشت لالیگا از راه رسیده است، اما این یکی بوی خون، بوی انتقام بوی جام می‌دهد. نیوکمپ امشب زیر نورافکن‌ها نه فقط یک استادیوم بلکه یک قتلگاه برای رویاهای مادر پدری و یک سکوی تاج‌گذاری برای پادشاهان کاتالان خواهد بود. تفاوت دو تیم در این مقطع از فصل، به قدری فاحش است که حتی خوش‌بین‌ترین هواداران فوتبال هم نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. یکی برای رستگاری نهایی می‌آید و دیگری، با بدنی زخمی و روحی از هم گسخته، تنها برای به تعویق انداختن یک مرگ حتمی.

هفته گذشته، کاتالونیا آماده بود تا جشن قهرمانی برپا کند، همه چیز برای یک مراسم بی‌نقص مهیا بود. بارسلونایین شانس تاریخی را داشت که در صورت لغزش رئال مادرید، کار لالیگا را یکسره کند. اما رئال، تیمی که همیشه نشان داده در لبه بر نگاه خطرناک‌تر است، با چنگ و دندان گردید. آن پیروزی در امانتیک، آن دبل نجات‌بخش و آن برد حیاتی که روی تابلوی نتایج ثبت شد، تنها یک سه امتیاز ساده نبوده بلکه فراری تاریخی از یک کابوس بزرگ بود؛ کابوس توتل زدن در نیوکمپ.

برای هر هوادار رئال مادرید، ایستادن باز یکتان‌شان

**برای هر هوادار رئال مادرید، ایستادن باز یکتان‌شان در دو صف و دست زدن برای ورود باز یکتان بارسلونابه زمین به عنوان قهرمان زود هنگام لالیگا، مانند نوشیدن زهر است. آنها هفته پیش با پیروزی خود، جلوی این تحقیر تاریخی را گرفتند. اما آیا آنها واقعا تجمعات یافته‌اند؟ یا تنها مراسم اعدام خود را چندروز به تعویق انداخته‌اند؟ امشب، بارسلونایبازی به لغزش رئال ندارد. برابری ۱۱ نفر نیست؛ ما شاهد بر خورد دو گمشده‌ان، دو تمام‌خشم و دو وضعیت روانی کاملاً متضاد خواهیم بود. ال کلاسیکو پرگشت لالیگا از راه رسیده است، اما این یکی بوی خون، بوی انتقام بوی جام می‌دهد. نیوکمپ امشب زیر نورافکن‌ها نه فقط یک استادیوم بلکه یک قتلگاه برای رویاهای مادر پدری و یک سکوی تاج‌گذاری برای پادشاهان کاتالان خواهد بود. تفاوت دو تیم در این مقطع از فصل، به قدری فاحش است که حتی خوش‌بین‌ترین هواداران فوتبال هم نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. یکی برای رستگاری نهایی می‌آید و دیگری، با بدنی زخمی و روحی از هم گسخته، تنها برای به تعویق انداختن یک مرگ حتمی.**

هفته گذشته، کاتالونیا آماده بود تا جشن قهرمانی برپا کند، همه چیز برای یک مراسم بی‌نقص مهیا بود. بارسلونایین شانس تاریخی را داشت که در صورت لغزش رئال مادرید، کار لالیگا را یکسره کند. اما رئال، تیمی که همیشه نشان داده در لبه بر نگاه خطرناک‌تر است، با چنگ و دندان گردید. آن پیروزی در امانتیک، آن دبل نجات‌بخش و آن برد حیاتی که روی تابلوی نتایج ثبت شد، تنها یک سه امتیاز ساده نبوده بلکه فراری تاریخی از یک کابوس بزرگ بود؛ کابوس توتل زدن در نیوکمپ.

برای هر هوادار رئال مادرید، ایستادن باز یکتان‌شان

#### چهره به چهره

**تازدی وعده‌های توخالی در فوتبال ایران**

## سراب

#### نازنین دشتی

در دنیای بی‌رحم و دقیق فوتبال حرف‌های، تقویم‌های پادشاهی می‌کنند. تیم‌های بزرگ جهان از ماه‌ماقبل، حتی پیش از آنکه سوت پایان رقابت‌های انتخابی به‌صدا درآید، بلیت‌های‌شان را زرو کرده‌ه‌ه‌نل‌ها را امتحش نموده و حرف‌های تدارکاتی خود را با دقت یک ساعت‌ساز سوئیسی انتخاب کرده‌اند. اما اینجا، در مختصات فوتبال ایران، زمان به شکل دیگری می‌گذرد؛ اینجا سرزمین «گرگ‌پشوده‌ها»، «در حال مذاکره با میم‌ها» و وعده‌هایی است که روی آب نوشته می‌شوند؛ ماجرای اخیر، برده‌ای جدید از این نمایش تکراری و تلخ است. مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال در یک برنامه زنده تلویزیونی با اعتمادب‌نفس روبه‌رویین می‌نشیند. او با تقلیل‌جناب وهیجان انگیز برای تیم ملی خبر می‌دهد؛ بابت دو دسته‌باله‌په‌لستان هواداران ایرانی برای لحظه‌ای

#### اتفاق روز

**بژمان منتظری و مسیری که باید ال‌گویی ستاره‌ها شود**

## تولد یک ستاره

در شبی که هوای دو حه مثل همیشه گرم و شرجی بود، در مستطیل سبزرورزشگاه جاسم‌بن حمد، حرارت و التهاب از جنس دیگری جریان داشت. سوت پایان مسابقه که به‌صدا در آمد، فریاد شادی‌باز یکتان‌الشحانیه در آسمان روزشگاه‌طینین انداز شد. آنها از یک نبرد دم‌گ‌زندگی، سربلند بیرون آمده بودند؛ نبردی برای بقادر سطح اول فوتبال قطر. اما در میان حلقه شادی باز یکتان که با شور و حرارت خاصی جشن گرفته بودند، نگاه‌ها به سمت مردی معطوف بود که با آرامش همیشه‌اش در کنار زمین ایستاده بود؛ بژمان منتظری، ستاره سابق تیم ملی ایران و باشگاه استقلال که حالا در قامت یک سرمربی پخته و کاربلد، ماموریت غیرممکن را ممکن کرده‌بود.

پیروزی سه بر صفر الشحانیه مقابل الخریطیات، ناب‌قهرمان بالنگیزه لیگ دسته دوم، یک اتفاق ساده یا نتیجه‌ای برآمده از شانس نبود. این یک نمایش حساب‌شده، تاکتیکی و بی‌نقص از تیمی بود که با تفکرات سرمربی ایرانی‌اش، بازی را به‌بهترین شکل ممکن مدیریت کرد. روش‌شکانه‌پس از آنکه سه‌بار دروازه حریف را فرو ریخت، به جای عقب‌نشینی کور کورانه، با یک ساختار دفاعی منسجم و هوشمندانه، راه‌های نفوذ حریف را بست و دروازه‌اش را تا سوت پایان بسته نگه‌داشت.

نکنه در امانتیک و داستانی این مسابقه، تقلیل بژمان با گذشته‌اش بود. الخریطیات تیمی است که منتظری ای سال‌ها در آن به‌عنوان بازیکن

به‌میدان رفته‌بود و از قضا، اولین قدم‌هایش در عرصه مربیگری را نیز در همین باشگاه‌و به‌عنوان دستیار برداشت. اما در این شب سرنوشته‌ساز، او در کسوت نفر اول کار فنی الشحانیه، در برابر تیم سابق خود ایستاد، احساسات را کتباً گذاشت و با حرف‌های گری‌تمام، حکم‌بقای تیمش در لیگ ستارگان قطر را امضا کرد.

**چاپ:** کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

**نشانی تحریریه:** تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

**نشانی سایت:** toseirani.ir

**تلفن تحریریه:** ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

**اینستاگرام:** @tosee\_irani

شماره ۲۱۷۵ / یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۲۲ و ۲۳ القعدہ ۱۴۴۷ / ۱۰ می ۲۰۲۶

از استیصال تبدیل شده است، شواهد و گزارش‌ها نشان می‌دهد که آرپلوا به‌طور کامل کنترل رختکن را از دست داده است. او دیگر نه اتوریته یک سرمربی را دارد و نه احترام باز یکتان را. وقتی سسر مربی نتواند تیمش را در روزهای بحرانی متحد کند، تیم در درون متلاشی می‌شود و این دقیقاً همان چیزی است که برای رئال مادرید رخ داده‌است.

اخبار درز کرده‌از رختکن رئال، موبو بر تن هر هواداری سیخ می‌کنند. درگیری‌های لفظی و تنش‌های شدید بین رودریگسز و کاراکاس، تنها حرف‌های از این آتش بزرگ بود. تفاوت نسل‌ها، فشار عدم نتیجه‌گیری و شاید غرورهای جرحی‌دهار شده، باعث شد تا این دو بازیکن در رختکن به شدت با هم درگیر شوند و جو تیم را به شدت مسموم کنند. اما اوج فاجعه‌جایی بود که قلب‌تپنده خط‌هافبک رئال مادرید در کار افتاد. اولین شومانی وفده‌وآورده، دو بازیکنی که قرار بود ستون‌های اصلی و موتور محرک تیم باشند، در تمرینات با یکدیگر درگیری فیزیکی پیدا کردند. وقتی دو بازیکنی که باید در زمین برای هم جان بدهند و پوشش یکدیگر باشند، در تمرینات یقه‌هم‌رانی درند و کار به درگیری فیزیکی کشیده می‌شود، دیگر چه امیدی به موفقیت در مستطیل سبز باقی می‌ماند؟

این فروپاشی روانی، دقیقاً همان چیزی است که هواداران رئال را به شدت ناامید کرده‌است. بسیاری از مادریدیستاها امیدی به پیروزی در بازی امشب ندارند. آنها می‌دانند تیمی که از درون در حال جنگ با خودش است، نمی‌تواند در بیرون با هیولایی مثل بارسلونا تشنه‌قهرمانی بجنگد.

با وجود تمام این حواشی‌رئالی‌ها همیشه با غرورشان شناخته می‌شوند. درست است که امسال جامی نبرده‌اند، درست است که رختکن‌شان شبیه به یک منطقه جنگی است و مربی‌شان اقتدار خود را از دست داده، اما لوگوی روی سینه آنها هنوز همان لوگوی رئال مادرید است. تنها چیزی که برای بازیکنان رئال باقی مانده، اعاده‌حیثیت است. آنها می‌دانند که نمی‌توانند لالیگا را ببرند، اما شاید، فقط شاید، بتوانند با خراب‌کردن جشن قهرمانی بارسلونادر نیوکمپ، کمی از دردورنج این فصل کابوس‌وار هواداران‌شان بکاهند. بردن بار سادر زمین خودش و جلوگیری از تاج‌گذاری آنها در ال کلاسیکو، تنها مسکنی است که می‌تواند زخم‌های عمیق رئال را کمی التیام‌بخشد.

اما آیا تیمی که درگیر حواشی و درگیری‌های فیزیکی بین بازیکنان کلیدی‌اش است، می‌تواند در جوو حشنتاک نیوکمپ دوام‌بیاورد؟ تاریخ‌نشان داده که در ال کلاسیکو، هر دو تیم به‌همیشه با اقتدار، آرامش در مواقع بحرانی و ذهنیت پر نده‌اش معروف بود، حالا شبیه به یادگان نظامی شور‌ش زده‌ای است که هیچ‌کس در آن از دیگری فرمان نمی‌برد. امسال بر روی رئال مادرید سسالی بدون جام، بدون افتخار و بدون لیخند بوده‌است. تیمی که به‌بردن جام‌ها عادت دارد، حالا باید با کابوس پایان بردن یک فصل کاملاً خشک و بی‌حاصل دست و پنجه نرم کند. اما فاجعه اصلی در زمین بازی نیست، فاجعه در رختکن است، جایی که دیوارهای والدیباس در این یک هفته اخیر، ششاد با تکیه‌کن‌ترین و تلخ‌ترین روزهای تاریخ مدرن باشگاه بوده‌اند.

آلوارو آرپلوا، مردی که روزگاری با تعصبش برای رئال در زمین می‌جنگید، حالا روی تیمکت به‌نمادی چشمانش برق می‌زند. تقابل با ستارگان اروپایی همان چیزی است که سال‌ها در آستانه تورنمنت‌های بزرگ حسرتش را می‌خوریم.

اما این رویای شیرین، حتی به اندازه‌زمان پخش یک آگهی بازرگانی هم دوام نمی‌آورد. نگاهی ساده‌به تقویم رسمی فدراسیون فوتبال په‌لستان و گشت‌و‌گاری کوتاه‌در رسانه‌های ورزشی این کشور، یک حقیقت عریان را به‌صورت مامی کوبیده‌هیچ‌خبری از ایران نیست. تقویم لهستانی‌ها تا خرخره پر است و کوچک‌ترین جای خالی برای یک دیدار ناگهانی با یوز‌های ایرانی وجود ندارد.

آنچه این ماجرا را از یک اشتباه محاسباتی به یک کم‌دی سیاه‌تبدیل می‌کند، تناقض عجیب در همان صحبت‌های آقای رئیس است. او در همان برنامه، بالحنی حق‌به‌جانب‌گرایه می‌کند که پیدا کردن حریف تدارکاتی سخت‌شده، چرا که تیم‌های راه‌یافته به جام‌جهانی برنامه‌های‌شان را از مدت‌ها قبل بسته‌اند؛ اینجاست که ذهن مخاطب درگیر یک بن‌بست منطقی می‌شود؛ اگر می‌دانید برنامه‌ها بسته شده، چطور ادعای بازی با لهستانی‌رامی کنید که تقویمش ماه‌هاست مهر و موم و رسانه‌ای شده است؟ این سطح از تناقض، ذم‌غیر نامش وعده خوش‌بینانه نیست.

عبور از مرز واقعیت و پناه بردن به اخبار کاملاً غیرواقعی برای خریدن زمان و فرار از فشار افکار عمومی است. در حالی که رقبای مستقیم ما در آسیا مانند ژاپن، کره جنوبی و عربستان، از ماه‌ها پیش

مسیر رسیدن به این جشن بقا، اصلا هموار نبود.

مسیر رسیدن به این جشن بقا، اصلا هموار نبود. الشحانیه روزهای سختی را در انتهای جدول تجربه کرد و کابوس سقوط سایه‌سنگینی بر سر این تیم انداخته بود. اما نقطه عطف ماجرا هفته گذشته رقم خورد؛ جایی که شاگردان بژمان منتظری در دیداری نفس‌گیر و حیاتی، یک امتیاز ارزشمند از تیم قدرتمند العرافه گرفتند. همان یک امتیاز کافی بود تا الشحانیه از قعر جدول فرار کرده، به رتبه تیب‌زده‌م برسد و شانس مجددی در بازی پلی‌آف پیدا کند.

تصویر ثبت‌شده در پایان بازی با الخریطیات، گویای همه چیز است؛ لحظه‌ای که تمام اعضای کادر فنی و بازیکنان الشحانیه به‌دور بژمان منتظری حلقه زدند تا عکس یادگاری بقا ثبت کنند. این تجمع و این شادی دسته‌جمعی به‌دور سرمربی، نشان از اعتماد عمیق و احترام ویژه‌ای دارد که منتظری در رختکن تیمش ایجاد کرده‌است. او نشان داد که نه‌تنها یک تئوریسین خوب در کنار زمین است، بلکه مهارت بالایی در مدیریت بحران و احیای روحیه تیمی در حساس‌ترین مقاطع فصل دارد.

اما آنچه این دستاورد را برای فوتبال ایران به شدت مهم و تامل‌برانگیز می‌کند، فرم و مسیری است که بژمان منتظری برای ورود به دنیای مربیگری انتخاب کرده‌است. سال‌هاست در فوتبال ایران به یک رویه غلط و کلیشه‌ای عادت کرده‌ایم؛ ستاره‌های نامدار استقلال و پرسپولیس، به



امشب، عقربه‌های ساعت در اسپانیا و تمام دنیا برای ۹۰ دقیقه از حرکت می‌ایستند. نیوکمپ با تمام عظمتش آماده است تا میزبان یکی از احساسی‌ترین و سرنوشته‌سازترین ال کلاسیکو‌های سال‌های اخیر باشد. برای بارسلونای این بازی پایان یک مسیر طولانی و آغاز یک جشن بزرگ است. پیروزی در این بازی یعنی قهرمانی لالیگا، آن هم با طعم شیرین در هم کوبیدن رقیب دیرینه. آنها می‌خواهند نشان دهند که پادشاهان بلامنازع این فصل اسپانیا هستند. برای رئال مادرید، این بازی آخرین سنگر برای دفاع از شرف و آبروست. در فصلی که همه چیز از بیسن رفته و رختکن در آتش اختلافات می‌سوزد، پیروزی در ال کلاسیکو تنها راهی است که نشان دهند هنوز نفس می‌کشند. آنها نمی‌خواهند نظاره‌گر رقص و پایکوبی کاتالان‌ها باشند. سوت داور در بازی امشب، فقط آغاز یک مسابقه فووتبال نیست؛ آغاز یک دبل کل روان‌شناختی، یک نبرد گلابا‌توروی و یک جنگ تمام‌عیار است. آیا بارسلونای جام را در خانه و در میان تشویق‌های کرکننده هوادارانش بالای سر می‌برد؟ یا رئال مادرید زخمی و بحران‌زده، از خاکستری‌های خود برمی‌خیزد و ضیافت نیوکمپ را به عزا تبدیل می‌کند؟ همه چیز امروز در مستطیل سبز مشخص خواهد شد.

فوتبال، بررحم‌ترین و در عین حال زیباترین هنر دنیا است و ال کلاسیکو امروز، تابلوی نقاشی بی‌نظیری از این هنر خواهد بود. آماده باشید، چون امشب تاریخ‌نوشته می‌شود.

اراد، د یک حیوان زخمی، گاهی اوقات می‌تواند

خط‌ناک‌ترین حیوان جنگل باشد. رئال مادرید زخم‌خورده، چیزی برای از دست دادن در همین نداشتن چیزی برای از دست دادن، ممکن است آنها را نقاشی بی‌نظیری از این هنر خواهد بود. آماده باشید، چون امشب تاریخ‌نوشته می‌شود.

اراد، د یک حیوان زخمی، گاهی اوقات می‌تواند

خط‌ناک‌ترین حیوان جنگل باشد. رئال مادرید زخم‌خورده، چیزی برای از دست دادن در همین نداشتن چیزی برای از دست دادن، ممکن است آنها را نقاشی بی‌نظیری از این هنر خواهد بود. آماده باشید، چون امشب تاریخ‌نوشته می‌شود.

اراد، د یک حیوان زخمی، گاهی اوقات می‌تواند خط‌ناک‌ترین حیوان جنگل باشد. رئال مادرید زخم‌خورده، چیزی برای از دست دادن در همین نداشتن چیزی برای از دست دادن، ممکن است آنها را نقاشی بی‌نظیری از این هنر خواهد بود. آماده باشید، چون امشب تاریخ‌نوشته می‌شود.

اراد، د یک حیوان زخمی، گاهی اوقات می‌تواند خط‌ناک‌ترین حیوان جنگل باشد. رئال مادرید زخم‌خورده، چیزی برای از دست دادن در همین نداشتن چیزی برای از دست دادن، ممکن است آنها را نقاشی بی‌نظیری از این هنر خواهد بود. آماده باشید، چون امشب تاریخ‌نوشته می‌شود.

اراد، د یک حیوان زخمی، گاهی اوقات می‌تواند خط‌ناک‌ترین حیوان جنگل باشد. رئال مادرید زخم‌خورده، چیزی برای از دست دادن در همین نداشتن چیزی برای از دست دادن، ممکن است آنها را نقاشی بی‌نظیری از این هنر خواهد بود. آماده باشید، چون امشب تاریخ‌نوشته می‌شود.

باغول‌های جهان قر در داده‌ای رسمی امضا کرده‌اند و تنه به‌تته ستارگان بزرگ می‌سایند تا عیار‌شان را در سخت‌ترین میدان‌سنسند. دستاوردها فدراسیون فوتبال مابرای آمانده‌سازی تیم ملی چیست؟ یک بازی دوستانه درون تیمی با کاورهای رنگی متفاوت و البته یک مسابقه قطعی با گامبیا؛ تیمی که در ۱۶ دکتینگ فیفا جا خوش کرده‌است! آیا قرار است باشکست دادن گامبیا و بازی درون اردویی، به‌مصاف قدرت‌های فوتبال در جام‌جهانی برویم؟

در این شرایط، مشکل دیگر فقط لغوشن یاخیالی بودن بازی با لهستان نیست؛ در داصلی، نهداین‌شده نشان فرنگ مدیرت بژومره است. ماه‌هاست که تیتز رسانه‌ها و واقعیت تلخ‌بازی اردوهای مجهز خارجی، تقابل با تیم‌های اروپایی و دیدارهای تدارکاتی سطح بالا بر می‌شود، اما خروجی نهایی، همیشه یک مقب‌گرد نامیدکننده‌است.

فوتبال یک علم دقیق است، نه یک محفل برای داستان‌سرایی. تازه‌مانی که برنامه‌ریزی‌های ما

روی کاغذ و عده‌ها نوشته‌شده‌و در عمل، سقف آرزوهای‌مان به‌بازی با تیم‌شوشان‌دهم جهان محدود‌مانده‌اند، نمی‌توانیم انتظار معجزات داشته‌باشیم. سراسر بازی با لهستان و واقعیت تلخ‌بازی با گامبیا، دقیق‌ترین تصویر از حال و روز مدیریتی است که هنوز نمی‌داند در فوتبال حرف‌های بازی‌های بزرگ در اتاق‌های مذاکره و ماه‌ها قبل پیروزی می‌شوند، نه با عده‌های غیرواقعی روی آنتن زنده تلویزیون.

محض او بختن کفش‌ها و خدا حافظی از مستطیل سبز، با اتکا به محبوبیت سکوها نام‌بزرگی

که در دوران بازیگری ساخته‌اند، به دنبال میان‌بر می‌گردند. آنها بدون طی کردن سلسله‌مراتب مربیگری، برای نخستین‌روی تیمکت تیم‌های بزرگ پایتخت دست و پامی‌زند. لای می‌کنند و از همان ابتدا خواهان بزرگ‌ترین صندلی‌ها هستند. نتیجه این شبانه‌زدگی نیز غالباً چیزی جز سوختن زده‌هنگام مهره‌ها، ناکامی در نتیجه‌گیری و ناامیدی هواداران نبوده‌است.

بژمان منتظری اما چیزی بسیار متفاوت‌تر را برگزید. او که در دوران بازیگری‌اش نیز نماد آرامش، هوش و بازی با کلاس بود، همین ویژگی‌ها را به‌دوران مربیگری‌اش منتقل کرد. او از هیاهوی رسانه‌ای و فشارهای کاذب فوتبال ایران فاصله گرفت. به جای اینکه با مصاحبه‌های جنجالی به دنبال سپهم‌خواهی از تیمکت استقلال باشد، در قطر ماند، لباس دستپاری بر تن کرد، خاک‌خورد، یاد گرفت و پایه‌پله‌بالا آمد. او تر جیح داد تا نای‌های فنی‌اش را در سکوت و در یک لیگ حرف‌های و بی‌رحم مثل لیگ سنسارگان قطر به اثبات برساند، نه با تکیه بر ایوم‌خاطرات گذشته‌اش در ایران.

موفقیت منتظری در حفظ الشحانیه، پیام روشنی برای فوتبال ایران داد؛ ما به یک چهره جدید در عرصه مربیگری دست پیدا کرده‌ایم. چهره‌ای که فوتبال‌رامی فهمد، زبان بین‌المللی این ورزش را می‌داند و یاد گرفته‌است که موفقیت‌روی تیمکت نه با سوسم‌دوران بازی، بلکه با دانش، استراتژی و تلاش بی‌وقفه به‌دست می‌آید.

این دستاورد، بژمان منتظری را به‌عنوان یک مربی با کلاس و بادانش به فوتبال ایران معرفی می‌کند. مردی که نشان داد می‌توان بدون جنجال، بدون حاشیه و تنها با تکیه بر کار تیمی و تمرکز روی مسائل فنی، کارهای بزرگی انجام داد. شاید روزی که تیمکت‌های تیم‌های بزرگ ایرانی نیازمند یک پوست‌اندازی واقعی و عبور از نام‌های تکراری باشند، بژمان منتظری با کوله‌باری از تجربه عملی و موفقیت در لیگ‌های حاشیه‌خلیج فارس، گزینهای باشد که بتواند خون تازه‌ای دررگ‌های فوتبال ما جاری کند.

امروز، فوتبال ایران می‌تواند با افتخار به دو حه نگاه کند و به ستاره‌ای ببالد که در سکوت کار کرد، در آرامش جنگید و با اقتدار پیروز شد؛ مهندس جدید برای آینده تیمکت‌های فوتبال ایران.